

تاریخچه

تا چند لحظه دیگر قرار است اینجا بیایند و شما هم اینجا بمانید که حضوراً مطالب را مطرح کنید»… خدمت حضرت امام عرض کردم: آقا ما هر چه می کشیم از ایشان است، ایشان نه مغز نظامی دارد و نه حرف نظامیان مشاور را گوش می کند. اطرافیانش هم آدم‌های خشک‌فکر و کم‌تعهدی هستند، این است که ما خود به خود با ایشان به نتیجه نمی‌رسیم. امام وقتی دیدند من اینطور عرض کردم، یک تأملی کردند و فرمودند: «بسیار خوب شما بروید، من تذکر خواهم داد.» «شاید دو روز نگذشت که از طرف آیت‌الله خامنه‌ای به من ابلاغ شد «شما ساعت فلان بیایید و در جلسه شورایی عالی دفاع شرکت کنید.» واضح بود که دستور تشکیل جلسه شورایی عالی دفاع برای اخذ تصمیم در مورد من صادر شده بود… پس از سخنان من رای گرفتند و نظریات و پیشنهادهایم با اکثریت قاطع مورد پذیرش قرار گرفت، صبح روز بعد نامه مصوبه شورایی عالی دفاع را که در غیاب بنی‌صدر صادر شده بود، به در خانه ما آوردند… حکمی که صادر شد خیلی روشن بود، دو سه بند داشت که مضمون آن چنین است: الف) صیاد شیرازی به قرارگاه برگردد. ب) درجه ایشان که از سرهنگی به سرگردی تنزل داده شده است مجدداً ارتقا یابد. ج) طرح خود را برای عملیات آماده سازد. به محض دیدن حکم، احساس کردم که اجراشدنی نیست، چون در مقابل بنی‌صدر و عواملش قرار داشتم. پیش‌بینی من درست از آب درآمد. بنی‌صدر این حکم را آورده بود خدمت حضرت امام که «ببینید در غیاب من توطئه کرده،» شورا تشکیل داده و تصمیم گرفته‌اند. « بعضی هم نقل کرده‌اند که گفته است: «یا جای من است یا جای این شخص!» حضرت امام با در نظر گرفتن شرایط زمانی و همچنین برخورد سنجیده‌ای که با بنی‌صدر به‌عنوان اولین رئیس‌جمهور داشتند، یک پیام تاریخی با این مضمون صادر کردند: «رئیس‌جمهور می‌تواند حتی مصوبات شورایی‌عالی دفاع را در صورتی که صلاح بداند اجرا نکند.» این خود از بالاترین قدرت‌هایی بود که امام به کسی داده بودند. من تعبیرم این بود که بنی‌صدر را به نقطه اوج برده‌اند و اگر زمین بخورد دیگر نمی‌تواند بلند شود! یعنی حداکثر اختیارات را به وی تفویض کردند.»

▼ به سپاه فشنگ ندهید

یکی دیگر از سنگ‌اندازی‌هایی که بنی‌صدر طی دوران ریاست‌جمهوری خود در مسیر جنگ انجام داده بود، صدور دستوری به ارتش برای عدم دادن مهمات به سپاه بدون هماهنگی بوده است. علی‌جنتی در کتاب خاطرات خود نوشته است: «همه می‌گفتند بنی‌صدر اجازه نمی‌دهد مهماتی که دست ارتش است در اختیار سپاه قرار گیرد.» محمداسماعیل کوثری هم در بخشی از مصاحبه‌دی‌ماه ۱۳۹۰ خود با خبرنگاری فارس روایت کرده است: «بنی‌صدر ضدیت عجیب و غریبی نسبت به نهاد سپاه پاسداران داشت. همین‌طور نسبت به آن دسته‌از فرماندهان کارآمد، انقلابی و جوان واحدهای ارتشی، که به واسطه سه سال رزم مشترک با بچه‌های سپاه در مناطق کردنشین غرب کشور علیه تجزیه‌طلبان تحت حمایت رژیم بعث، به نهاد سپاه ابراز علاقه می‌کردند، سخت‌بدبین بودو با آنها بر خوردتندی داشت. مثال بارز این مطلب، به برخورد بنی‌صدر با برادر بزرگوارمان صیاد شیرازی بود. از آنجا که بنی‌صدر نمی‌توانست وحدت و همدلی سپاه و ارتش را تحمل کند، بعد از گذشت ۳ ماه از آغاز جنگ تحمیلی، ضمن ابلاغ یک دستورالعمل مؤکد کتبی- که خودم نسخه‌ای از آن را دیده‌ام- به ارتش دستور داد: «بدون اخذ دستور از فرماندهی کل قوا، حتی یک عدد فشنگ هم نباید به سپاه تحویل داده شود.» به این ترتیب، ما از همان آندک تجهیزات سبک‌رزمی هم که برادران ارتشی در اختیارمان قرار می‌دادند، محروم شدیم.»

آیت‌الله عبدالله محمدی، امام جمعه وقت خرمشهر هم در متنی که توسط مرکز اسناد انقلاب اسلامی منتشر کرده، درباره این موضوع توضیح داده است: «توپخانه اصفهان برای دفاع از خرمشهر و جلوگیری از سقوط آن عازم خرمشهر شده بود اما این توپخانه در ۶۰ کیلومتری خرمشهر متوقف شده بود. به آنها گفته بودند که صلاح نیست جلوتر بروید. ما تقسیم و با فرمانده توپخانه صحبت کردیم و گفتیم پس چرا به خرمشهر نمی‌آیید؟ خرمشهر در محاصره است و در معرض سقوط است. گفتند چه کنیم که به ما اجازه نمی‌دهند. می‌ترسیدند که بگویند بنی‌صدر اجازه نداده است.»

▼ نگاه‌بابانی

آنچه در بخش‌های بالا ذکر شد، روایت‌هایی است که همه آنها پس از عزل ابوالحسن بنی‌صدر بیان شده است و ممکن است بخشی از آنها دارای کم‌وکاست‌هایی باشند. چنانچه به برخی از این نکات‌عنوان شده توسط خود بنی‌صدر پاسخ داده شده و برخی نکته‌ها به صورت کلی تکذیب شده است. چنانچه برای مثال بنی‌صدر در مصاحبه با رادیو عصر جدید که در تاریخ ۶ مهر ۱۳۹۲ انجام شد، درباره عدم پذیرش احتمال حمله به عراق گفته بود: «آنها گفتند که بنی‌صدر گفته که به ایران حمله نخواهد شد در صورتی که آنها بودند که این را می‌گفتند و ما هشدار می‌دادیم که حمله می‌شود. حقیقت این بود که آنها فکر می‌کردند که بنی‌صدر با مطرح کردن خطر حمله به ایران می‌خواسته آنها را در تنگنا قرار بدهد و موقعیت خود را محکم کند. پس این را نمی‌خواستند بقبول کنند زیرا وطن‌برایشان مهم نبود.» تاریخ و فضای خاطره‌نویسی و خاطره‌گویی بارها شاهد این بوده که افراد خود را تطهیر کنند و معمولاً افراد از خود و تصمیمات‌شان دفاع می‌کنند و مسبب اتفاقات ناگوار را هر که غیر خود عنوان کرده‌اند. به هر حال ما تجربه ۸ سال جنگ را داشتیم که باید زمانی فرصت شود که آسیب‌شناسانه و دور از نگاه مقدس‌گونه به آن و رویکردها و عملکردها پرداخته شود تا هم مسئولان و هم مردم درس بیاموزند و از تکرار اشتباهات اجتناب کنند.



سوی بنی‌صدر سرمی‌زند و او دستور بازداشت علی‌اکبر شیرودی را به منظور تنبیه او صادر می‌کند؛ موضوعی که البته عملیاتی نشد. وقتی ماجرا به گوش اعضای شورایی‌عالی دفاع رسید، این شورا حکم بازداشت را باطل کرد.

۳ ماه بعد، بنی‌صدر اقدام دیگری را مقابل علی‌اکبر شیرودی انجام می‌دهد. امیرسررتیب دوم خلیان محمدکریم‌عابدی، ۹ اردیبهشت ۱۳۹۵ روایتی را از یک برخورد دیگر بنی‌صدر با شهید شیرودی در آخرین روزهای پس از شهادتش عنوان کرده است. او در یادواره سراسری شهید شیرودی گفته بود: «فروردین‌ماه ۱۳۶۰، روزی در ستاد ارتش شیروودی را دیدم که از پله‌های ستاد بالا می‌آمد و می‌خواست پسر بنی‌صدر برود. علت را از او جویا شدم که مرا از خیانت بنی‌صدر مطلع کرد و گفت که چند هفته است که کمیسوین گرفته‌اند و به این بهانه که من خطرناک پرواز می‌کنم به من اجازه پرواز نمی‌دهند.»



محمدکریم‌عابدی:

فروردین‌ماه ۱۳۶۰، روزی در ستاد ارتش شیروودی را دیدم که از پله‌های ستاد بالا می‌آمد و می‌خواست پسر بنی‌صدر برود. علت را از او جویا شدم که مرا از خیانت بنی‌صدر مطلع کرد و گفت که چند هفته است که کمیسوین گرفته‌اند و به این بهانه که من خطرناک پرواز می‌کنم به من اجازه پرواز نمی‌دهند.

شهید صیاد شیرازی در خاطرات خود ریشه این موضوع را اینگونه بیان کرده است: «وقتی گزارش پیروزی‌های ما(در نبرد کردستان) به تهران و رئیس‌جمهور وقت (بنی‌صدر) رسید، برای ایشان خیلی غیرمنتظره بود. او از اینکه در زمان وی چنین موفقیتی صورت گرفته بسیار خشنود بود و به همین سبب توجه زیادی به ما نشان داد، به‌طوری‌که وقتی برای ریشه‌کن کردن ضدانقلاب پیشنهاد شد قرارگاهی در منطقه تشکیل شود و تا کرمانشاه گسترش یابد، بلافاصله آن را تأیید کرد و حتی بنده را که سرگرد بودم، درجه موقت سرهنگی داد تا بتوانم فرماندهی قرارگاه را به عهده بگیرم… به دنبال آن ابلاغ نیز قرارگاه عملیاتی غرب کشور را برای اولین بار در کرمانشاه تشکیل دادیم. اما متأسفانه هنوز چیزی از شروع طرح‌مان نگذشته بود که توطئه‌ها آغاز شد. نجواها و اطلاعات نادرست به بنی‌صدر، مشکلات جدی پیش آورد، خصوصاً اینکه وی فردی دهن‌بین بود و به حرف‌های معمولی توجه جدی معطوف می‌کرد. از این‌رو من احساس کردم که عرصه بر ما به تدریج تنگ‌تر می‌شود و همین‌گونه هم شد. البته ماهیت بنی‌صدر هم کم‌کم برای همه روشن‌تر می‌شد، مردم روز به روز بهتر او را می‌شناختند و مقابلش موضع می‌گرفتند. خصوصاً پس از آنکه شهید مظلوم آیت‌الله دکتر بهشتی(ره) از طرف وی مورد توهین قرار گرفت، تفرقه و کارشکنی ایشان بیشتر بر ملا شد. اینجا بود که ما از قرارگاه نظامی اعلامیه‌ای دادیم و در آن اعلامیه مطرح کردیم که درحالی‌که ما

احزاب

در جلسه حزب مؤتلفه مطرح شد:

ما از نمایندگان میثاق نمی‌گیریم

گروه سیاسی: روز گذشته حزب مؤتلفه جلسه‌ای را با عنوان «نشست منتخبین مردم در دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی / اولویت‌های مجلس تحول و تکامل» برگزار کرد که مجری جلسه حمیدرضا ترقی، قائم‌مقام دبیرکل این حزب و سخنان آن اسدالله بادامچیان، دبیرکل حزب بود و پس از آن هم پتلی اقتصادی در راستای اولویت‌های مجلس دوازدهم در این حوزه به حضور محمدرضا پورابراهیمی، نماینده مجلس، محمد مهدی مفتاح، نماینده ادوار مجلس و منتخب مجلس دوازدهم، جعفر قادری، نماینده مجلس و منتخب مجلس دوازدهم، مصطفی نخعی نماینده مجلس و منتخب مجلس دوازدهم برگزار شد. در این جلسه جزوه‌ای نیز در اختیار حضار قرار گرفت که به موضوع تحول و تکامل و اهداف و اولویت‌های مجلس دوازدهم پرداخته بود؛ موضوع مهمی که در این جلسه از سوی دبیرکل یکی از قدیمی‌ترین احزاب مطرح شد، این بود که ما به‌عنوان حزب از نمایندگان که با حمایت ما به مجلس رفته‌اند، «میثاق‌پیمانی نمی‌گیریم و آنها را مکلف نمی‌کنیم». موضوعی که معمولاً از احزاب و گزینه‌های پیشنهادی آنها حداقل از سوی رای‌دهندگانی که به پیشنهاد و گفته آنها به افراد در انتخاباتی رای داده‌اند، انتظار می‌رود، به عبارتی این انتظار وجود دارد که حداقل این نمایندگان اگر در ادوار پاسخگوی مردم نیستند مجبور به پاسخگویی به تشکل‌هایی که از طریق آنها پله ترقی را پیموده‌اند، باشند. این شاید مهم‌ترین نکته سخنان دبیرکل حزب مؤتلفه اسلامی بود. موضوعات دیگری نیز در این جلسه از سوی بادامچیان و ترقی به‌عنوان دو چهره حزبی مطرح شد که در ادامه به آن اشاره می‌شود. در این جلسه در ابتدا حمیدرضا ترقی به بیان سخنانی پرداخت و گفت: «رهبر معظم انقلاب اسلامی فرمودند ملت ایران نه مجلس دولتی می‌خواهند و نه مجلس ضددولتی. ملت ایران مجلسی می‌خواهد که بر وظایف خودش آشنا باشد و بداند در قانون اساسی چه بر عهده اوست، متعهد و متدین و شجاع باشد و مرعوب آمریکا نباشد و علاقه‌مند واقعی به پیشرفت کشور باشد؛ مجلسی که درد مردم و کشور را بشناسد و درصدد علاج آن باشد. برای مردم این مهم است.» ترقی با استناد به سخنان رهبری تعریفی از مجلس مطرح کرد و به ضرورت توجه به معیشت مردم در مجلس دهم‌نیز اشاره کرد.

▼ دو خبره استان سیستان و بلوچستان از میان اهل تسنن هستند

پس از این سخنان بادامچیان به ایراد سخنرانی پرداخت و به نحوه تاسیس حزب در اردیبهشت ۱۳۴۲ براساس پیشنهاد و سخنان امام خمینی و با پیگیری شهید عراقی اشاره کرد و گفت: «ما بیش از ۶۰ سال در این کشور انجام وظیفه کردیم.» بادامچیان همچنین تأکید کرد: «حزب مؤتلفه با همراهی و همکاری به‌حمدالله موجب شد که مجلس دوازدهم اکثریتش در خط ولایت و مردم باشد. خبرنگار رهبری هم بسیار مهم بود و دشمنان در فکر نفوذ و تخریب آن بودند و به‌حمدالله ترکیب این مجلس هم به‌بهترین‌نحو شکل گرفت. در وحدت‌بین شیعه و سنی حرکت بسیار خوبی انجام گرفت و دو خبره استان سیستان و بلوچستان از میان برادران اهل تسنن بودند.»

▼ فراکسیون مؤتلفه در مجلس دوازدهم

وی همچنین تصریح کرد: «اما در انتخابات دوره دوم مجلس هم سعی می‌کنیم از میان کاندیداهای موجود تلاش کنیم آنها که اصلاح‌هستند به مجلس بروند. بنابراین در این زمینه حضور جدی خواهیم داشت. سیاست ما درباره حضور در مجلس هم تشکیل فراکسیون مؤتلفه اسلامی است. از سال‌ها قبل این فراکسیون به‌ویژه در مجلس هشتم فعالیت می‌کرد. در مجلس دوازدهم با ترکیب جدیدی این فراکسیون شکل می‌گیرد. همچنین ما به نمایندگان مجلس هیچ چیز را تحمیل نمی‌کنیم و میثاقی هم نمی‌گیریم. پیمان هم نمی‌خواهیم چون نماینده کل نظام است و نماینده کل ملت است و اینکه بخواهیم او در اختیار حزب مؤتلفه باشد نه این اعتقاد را نداریم و این‌گونه‌فتان نمی‌کنیم و کاری‌اتکلیف‌نمی‌کنیم و صرفاً پیشنهادمان را مطرح می‌کنیم حتی درباره رئیس مجلس هم بحث که می‌شود اختیار انتخاب رئیس مجلس در دستان نمایندگان آن دوره است. ما داخلی در این‌زمینه نخواهیم داشت. البته نماینده‌اگر پشتیبانی از حزب را داشته‌باشد موفق‌تر است.» بادامچیان اولین پیشنهاد به مجلس دوازدهم را در حوزه اقتصاد و موضوع بودجه عنوان کرد و گفت: «تکالیف بودجه‌ای را از مسئله دریافت‌ها و ردیف‌های بودجه جدا کنند و مجلس باید در زمینه برنامه بودجه و امور مالی و پولی توجه شود.» در ادامه جلسه‌نیز میزگردپنل اقتصادی با حضور مدعوین و حضار برگزار شد و در آن مدعوین به بیان تجربیات‌شان در ادوار مجلس و ضرورت تغییرها در بخشی از فعالیت‌های مجلس پرداختند.